

إيجاز :

خلاصه:

الأدلة على صحة نظرية التطور كثيرة جداً، والإشكالات التامة على القول بالخلق دفعة واحدة كثيرة، كما تقدم إشكال عصب الحنجرة ومثله غيره من إشكالات التشريح المقارن، وإشكالات الجيولوجيا التاريخية التي أثبتت بشكل قطعي أن الحيوانات والنباتات وجدت في صورة مترقية في فترات زمنية متتالية، فوجدت البكتريا وبعد زمن طويل وجدت خلية حقيقية النواة، ومن ثم وجدت كائنات متعددة الخلايا، وهكذا تطورت الحياة شيئاً فشيئاً، فإذا كان الخلق دفعة واحدة، وكان الله هدفه الإنسان والبيئة والكائنات التي تحيط به، والإنسان لم يوجد إلا في فترة قريبة جداً بالنسبة للتاريخ الجيولوجي للأرض، فما هو الداعي أن يخلق الدفعات الأولى ويجعلها مرتبة، بحيث إن كل دفعة خلق أحدث تكون مشابهة وأكثر رقياً وتطوراً من الدفعة الأقدم، هل مثلاً أن الله خلقهم بهذا التدرج الزمني والارتقائي لأنه أراد أن يخدع الإنسان ويجعله يعتقد بالتطور عندما يرى أن الخلق مرتب بصورة مترقية بالتدرج في الطبقات الجيولوجية؟ أكيد لا، فالله يريد أن يعرف الإنسان الحقيقة كما هي، ويريد أن يؤمن الإنسان بالله وبالخلق كما أوجده الله.

دلایلی که نظریه تکامل را تأیید می‌کند و بر آن صحه می‌گذارد، بسیار زیاد است. از سوی دیگر اشکالات بنیادینی که ایده آفرینش دفعی را متزلزل می‌سازند نیز فراوانند؛ مانند اشکال عصب حنجره و دیگر اشکالات مشابهی که در کالبدشناسی تطبیقی یافت می‌شود. زمین‌شناسی تاریخی

به‌طور قطعی ثابت کرده است که حیوانات و نباتات در فواصل زمانی متوالی رو به‌تکامل نهاده‌اند. در ابتدا باکتری بوجود آمد، سپس با گذشت زمانی طولانی سلول‌های یوکاریوت (سلول دارای هسته حقیقی) پدیدار شد و به دنبال آن موجودات چندسلولی پا به عرصه وجود نهاد، و به این ترتیب حیات آرام آرام رو به‌تکامل گذاشت. اگر آفرینش به صورت دفعی و یک باره صورت گرفته، و هدف خدا آفرینش انسان و محیط و موجودات پیرامون او بوده باشد، و اگر انسان در زمانی بسیار نزدیک در مقایسه با تاریخ زمین‌شناسی به وجود آمده باشد، چرا خدا دسته‌های اولیه را با نظم و ترتیب آفریده به گونه‌ای که هر دسته جدید، مشابه دسته قبلی ولی تکامل‌یافته‌تر و تطابق‌یافته‌تر از آن می‌باشد؟! آیا مثلاً به این دلیل خدا آنها را طی دوره‌های زمانی و تکاملی آفرید، چون قصد فریب انسان را دارد و می‌خواهد هنگامی که او فرآیند آفرینش را در لایه‌های زمین به گونه‌ای منظم و مرتب بوده و به تدریج رو به تکامل و پیشرفت می‌نهد، می‌بیند به‌تکامل معتقد گردد؟! مسلماً چنین نیست! خدا می‌خواهد انسان حقیقت را همان‌گونه که هست بشناسد، و می‌خواهد آدمی به خدا و خلقت همان‌گونه که خدا آن را پدید آورده‌است، ایمان بیاورد.

الجواب الوحيد المقنع والمنطقي والمقبول لما نراه في الجيولوجيا التاريخية هو: أن الحياة بدأت بسيطة ثم تطورت وارتقت بالتدرج.

تنها پاسخ قانع‌کننده و منطقی و قابل‌قبول که با مراجعه به زمین‌شناسی تاریخی به آن می‌رسیم، این است که: زندگی به گونه‌ای ساده آغاز شد، سپس به تدریج تکامل و ارتقا یافت.

وإذا كان لدى القائلين بالخلق دفعة واحدة جواباً منطقياً ومقنعاً وله قيمة علمية وتؤيده الأبحاث الجينية والتشريح المقارن وسلسلة الأحياء الموجودة .. و.. و.. و.. الخ فليقدموه، أما أن يرفضوا نظرية التطور هكذا؛ لأنها لا تعجبهم، أو لأن بعض الملحدين يستغلونها لإنكار وجود الله سبحانه ويعجز هؤلاء عن ردهم فيلجأون إلى العناد ورفض نظرية التطور رغم الأدلة القائمة على صحتها، ورغم الإشكالات العلمية التامة على القول بالخلق دفعة، ورغم أنه حتى النص الديني يدل على التطور، فهذا يكون تعسفاً وعناداً مقيماً.

اگر معتقدان به آفرینش دفعی جواب منطقی و قانع‌کننده‌ای دارند که از ارزش علمی برخوردار است و پژوهش‌های ژنتیکی، کالبدشناسی تطبیقی و زنجیره‌ی جانداران موجود و غیره آن را تأیید می‌کند، به ما ارائه نمایند. این افراد چون نظریه‌ی تکامل را دوست نمی‌دارند، آن را رد می‌کنند و یا اقدام آنها به این دلیل است که برخی از ملحدان از این نظریه برای انکار وجود خدای سبحان بهره‌برداری می‌کنند و این عده نیز از پاسخ‌گویی به آنها ناتوانند؛ بنابراین به عناد و لجاجت و رد نظریه‌ی تکامل روی می‌آورند؛ علی‌رغم دلایلی که برای درستی آن ارائه می‌شود. همچنین اشکالات علمی فراوانی برای ایده‌ی آفرینش دفعی، با وجود دلالت متون دینی بر تکامل وجود دارد. این، بی‌انصافی و لجاجتی کورکورانه است.

ماذا بقي للمجادلين الذين يرفضون بجهل أو عناد نظرية التطور؟! بقي: أن أي شخص يمكنه نقض نظرية ، بحيث إنها إما تسقط من الاعتبار العلمي أو تعدل بمجرد أن يعثر على مشاهدة تتعارض مع تنبؤات تلك النظرية، ونظرية التطور واقفة تتحدى كل الراضين لها أن يقدموا مشاهدة واحدة فقط، واحدة لا غير، تتعارض مع تنبؤات نظرية التطور. والحقيقة إن هذه المشاهدة مفقودة ولم تثمر آلاف الأبحاث والتجارب في علم الأحياء والتشريح المقارن والجينات منذ ظهرت نظرية التطور إلى اليوم في العثور على مشاهدة واحدة في عالم الأحياء الأرضية تتعارض مع تنبؤات نظرية التطور، وهذا يعني أن نظرية التطور صحيحة لا غبار عليها، فأكثر من مئة سنة مليئة بالآلاف التجارب والأبحاث والمشاهدات العينية المطابقة دون استثناء واحد لنظرية معينة كفيلة بإثبات صحة تلك النظرية.

برای مجادله‌کنندگان که از سر جهل یا لجاجت نظریه تکامل را رد می‌کنند، دیگر چه باقی مانده است؟! یک چیز باقی مانده است: هر کسی می‌تواند این نظریه را نقض کند، به این صورت که یا آن را از اعتبار علمی ساقط نماید یا به محض یافتن شاهد و مدرکی که با پیش‌بینی‌های این نظریه سر ناسازگاری داشته باشد، به آن استناد نماید. نظریه تکامل، استوار ایستاده است و تمام انکارکنندگان را به تحدی و مبارزه دعوت می‌کند و از آنها می‌خواهد که فقط یک شاهد و دلیل ارائه کنند که با پیش‌گویی‌های این نظریه همخوانی نداشته باشد؛ فقط یک دلیل نه بیشتر. واقعیت آن است که چنین سرنخی وجود ندارد و هزاران پژوهش و آزمایش صورت‌گرفته در علم زیست‌شناسی و کالبدشناسی تطبیقی و ژنتیک، از زمان پیدایش نظریه تکامل تا به امروز نتوانسته است مدرکی در علم زمین‌شناسی تاریخی بیابد که با پیش‌بینی‌های نظریه تکامل متعارض

باشد. این به آن معنا است که نظریهء تکامل کاملاً صحیح بوده است و هیچ نقص و خللی در آن راه ندارد. گذشت بیش از یکصد سال که سرشار از هزاران آزمایش، پژوهش و مشاهدات عینی بوده است و جملگی بدون استثنا با مبانی یک نظریهء مشخص مطابقت داشته اند، بر اثبات درستی آن نظریه کفایت می کند.
